

کاربردی ترین ارکان عقاید اسلامی

تالیف:

کریم شکرزاده



سرشناسه	:	شکرزاده، کریم، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	:	کاربردی‌ترین ارکان عقاید اسلامی / تألیف کریم شکرزاده.
مشخصات نشر	:	تهران: نشر بارسا، ۱۳۹۷.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۳۷-۱۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
موضوع	:	اسلام -- فرقه‌ها -- عقاید
موضوع	:	Islamic sects -- Doctrine
موضوع	:	کلام
موضوع	:	Islamic theology
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ ۲ک۸ش/RPT۲۲۶
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۳۹۰۲۲۸



کاربردی‌ترین ارکان عقاید اسلامی

نویسنده: کریم شکرزاده

ناشر: انتشارات بارسا

صفحه‌آرا: حامد شهبازخانی

تهران - کدپستی ۱۹۶۳۸۴۶۳۵۱-

تلفن: ۰۲۱۲۲۶۷۷۹۱۷

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۷

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

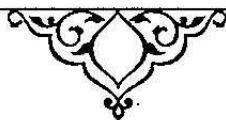
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۳۷-۱۴-۱





فهرست

۱۲	پیشگفتار.....
۱۴	برخی از تعاریف علم کلام و نقد و بررسی آن.....
۱۷	علل پیدایش علم کلام.....
۱۸	فوائد علم کلام.....
۱۸	دین‌شناسی تحقیقی.....
۱۹	ارشاد و هدایت.....
۲۰	پاسداری از عقاید دینی.....
۲۱	نرمندی مردم دینی به کلام.....
۲۳	فصل اول.....
۲۳	گزیده‌ای از عقاید فرق اسلام.....
۲۴	بخش اول: شیعه.....
۲۵	معنای لغوی و اصطلاحی شیعه.....
۲۶	اعتقادات امامیه.....
۲۷	زیدیه.....
۲۹	اسماعیلیه.....
۳۰	کیسانیه.....
۳۱	وجه تسمیه کیسانیه بدین نام.....
۳۲	بخش دوم: اشاعره.....
۳۴	جدول مقایسه آراء معتزله با اشاعره.....
۳۵	علت غلبه اشعری بر معتزله.....
۳۶	عصر شکوفایی مذهب اشعری.....



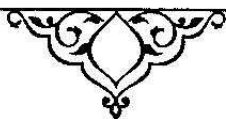


- بخش سوم: معتزله ۳۷
- قدریه چه کسانی بودند؟ ۳۸
- وجه تشبیه اشاعره به مجوس ۳۹

- بخش چهارم: پیدایش خوارج ۴۲
- وجه تسمیه خوارج ۴۲
- رهبر و پایه گذار خوارج ۴۳
- ماهیت خوارج ۴۶
- آینده خوارج از دیدگاه علی (ع) ۴۷

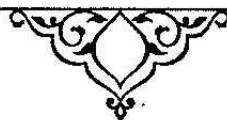
- بخش پنجم: مرجئه ۴۸
- معانی رجاء ۴۸
- اقسام مرجئه به دو ر خلاق ۴۸
- ایمان و کفر از دیدگاه مرجئه ۴۹

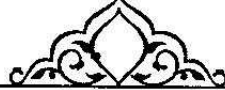
- فصل دوم ۵۱
- عدل از دیدگاه فرق اسلامی ۵۱
- عدل الهی از نگاه معناشناسی ۵۲
- حسن و قبح افعال ۵۴
- دلایل مخالفین حسن و قبح عقلی ۵۶
- نقد دلایل مخالفین ۵۷
- ثمره بحث در مسأله عدل الهی ۶۰
- نسبت حکمت و عدل ۶۳
- دلایل عدل و حکمت الهی ۶۳
- جبر و اختیار ۶۴
- مسئله شر ۶۶



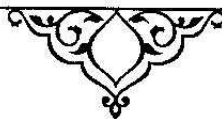


۶۷	 راه حل‌های مسئله شر
۷۲	 فواید شرور در جهان
۷۴	 نظریه کسب
۷۶	 نظر حکماء و متکلمین امامیه درباره کسب
۷۶	 قضا و قدر
۷۷	 تبیین فلسفی قضا و قدر
۷۷	 اقسام قضا و قدر از دیدگاه کلامی
۸۱	 اقسام قضا و قدر از دیدگاه فلسفی
۸۳	 نظر ارم‌حله در کتاب نهج الحق
۸۴	 اهمیت عمل در ادیان
۸۵	 عنایت
۸۷	 بداء
۸۸	 اهمیت بداء
۹۱	 آجل
۹۳	 فصل سوم
۹۳	 امامت
۹۴	 اهمیت امامت و رهبری در اسلام
۹۵	 اعتراض به ضرورت طرح مسئله امامت
۹۷	 عقل چه می‌گوید؟
۹۸	 بخش اول:
۹۸	 امامت از دیدگاه فرق اسلامی غیر امامیه
۹۹	 نظر غزالی درباره امامت
۱۰۱	 نقد نظریه اهل سنت درباره امام



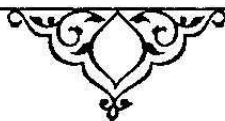


بخش دوم:	۱۰۲
امامت از دیدگاه شیعه امامیه	۱۰۲
تعیین امام به عهده کیست؟	۱۰۲
دلیل امامیه بر وجوب نصب امام	۱۰۲
عقیده امامیه در عصمت امام (ع)	۱۰۵
دلایل عصمت امام (ع)	۱۰۶
طریق تعیین امام (ع)	۱۰۷
ادله عقلی بر امامت علی بن ابیطالب (ع)	۱۰۸
تعیین امامت علی (ع) به قرآن و سنت	۱۱۰
علی (ع) سر تمام علوم	۱۱۱
مقام امامت بالاتر از مقام نبوت است	۱۱۳
اعتقاد امامیه بر عدد نهمه (ع)	۱۱۴
مراد از دوازده خله چه بانی هستند؟	۱۱۵
احتمالات منقول برتری بر دوازده امام (ع)	۱۱۶
نظری به تأویل‌های سه گانه	۱۱۶
موعود ادیان	۱۲۰
آئین یهود	۱۲۰
آئین هندو	۱۲۱
آئین بودا و زردشت	۱۲۱
آئین مسیح	۱۲۲
مهدی موعود در نزد امامیه و اهل سنت	۱۲۳
مهدی شخصی نه مهدی نوعی؟	۱۲۴
مقام مهدی (عج) در نهج البلاغه به روایت منابع الموده	۱۲۶
سرنوشت امت اسلامی بعد از پیامبر (ص)	۱۲۸
ضرورت تبیین عقلی غیبت	۱۳۰
شیخ صدوق و فلسفه غیبت	۱۳۱





۱۳۵	فلسفه غیبت از نظر کلام مفید
۱۴۱	روبارویی امامیه و معتزله در فلسفه غیبت
۱۴۴	پیوند غیبت و قاعده لطف
۱۴۷	فلسفه غیبت در آثار کلامی پس از شیخ طوسی
۱۴۸	شمار نشانه‌های ظهور
۱۴۹	انواع نشانه‌های ظهور
۱۵۰	نشانه‌های حتمی
۱۵۴	نشانه‌های متصل به ظهور
۱۵۵	نشانه‌های برآمده
۱۵۶	خروج سفیانی
۱۶۰	خسف در سوره
۱۶۲	خروج یمانی
۱۶۴	صیحه آسمانی
۱۶۷	یادآوری چند نکته
۱۶۹	خروج دجال
۱۷۴	در آمدن پرچمهای سیاه از خراسان
۱۷۶	خسوف و کسوف
۱۷۸	فراگیر شدن جهان از ظلم و جور
۱۷۹	زمینه سازان
۱۸۲	یاران امام (ع)
۱۸۵	خاستگاه یاران
۱۸۶	گزینش یاران
۱۸۸	ویزگیهای همراهان مهدی (عج)
۱۹۷	مخالفان مهدی (عج)
۲۰۴	شیوه برخورد امام (ع) با مخالفان
۲۱۱	ماهیت و شرایط ولایت





۲۱۳	فقیه کیست؟
۲۱۵	ضرورت عقلی ولایت
۲۱۷	دلایل نقلی ولایت
۲۲۱	تعریف ولایت مطلقه
۲۲۵	ادله ولایت مطلقه
۲۲۷	منشأ مشروعیت حکومت
۲۲۹	مشروعیت ولایت فقیه
۲۳۱	فهرست اعلام
۲۴۰	فهرست طوائف و فرق اسلامی
۲۴۲	فهرست فقهاء
۲۴۵	فهرست روایات
۲۵۰	منابع





پیشگفتار

الحمد لله ذی الجود و الإکرام، الهادی الی شریعہ الاسلام و صلواته علی خیرته من جمیع الأنام أعنی سیدنا محمداً و اهل بیتہ المطهره من الآثام.

هر موضوعی جهت بیان و تشریح آن نیازمند به علمی می باشد که درباره جزئیات آن تفصیلاً بحث نماید، همانند بدن و اجزای آن که نیازمند به علم طب می باشد و همچنین گفتار و ذهن انسان که برای سلامت خویش و دور ماندن از خطایب، به علم ادبیات و منطق دارد. از آن جمله، اصول اعتقادی هست که نیازمند به علمی است تا درباره آن و جزئیاتش به تفصیل و مستدل سخن بگوید، و آن علم سلام است.

علم کلام از نظر ریاضی، علوم دینی و دانش های بشری می باشد، یکی از مهمترین اهداف و رسالت های این علم، تبیین و تثبیت عقاید دینی و پاسخگویی به سوالات دینی و اعتراضات مخالفان است. این رسالت، یکی از شئون پیامبران و رهبران الهی بوده است. بدین جهت می توان تاریخ علم کلام (به طور اعم) با تاریخ ادیان آسمانی آغاز می گردد.

این علم در تاریخ اسلام و در حوزه های کسب دانش های دینی، از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و مورد اهتمام ائمه معصومین (ع) قرار گرفته است. از این رو کلام امامیه به ویژه در دوره های آغازین این علم، از شکوفایی و رونق خاصی برخوردار بود و پیوسته توجه رجال و شخصیت های علمی بسیار را به خود جلب نموده، تصنیفات و آثار علمی گرانبهایی از آنان بر جای مانده که از ذخایر ارزشمند فرهنگ و دینی به شمار می رود. می توان گفت تمام علوم دینی در اثبات موضوع خود نیازمند به علم کلام می باشند، زیرا تا وجود و صفات کمال الهی، بعثت و عصمت انبیاء (ع) و... اثبات نگردد، موضوع علوم دینی مانند: تفسیر، حدیث، فقه و غیره اثبات نخواهد شد.

بدین جهت محقق طوسی (ره) در این باره می گوید: «لأنَّ أساسَ العلومِ الدِّینیَّةِ علمُ اصولِ الدِّینِ یحوِّطُ مسائلَهُ حَولَ التَّقیِّینِ وَ لَا یَتِمُّ بِدَوْنِهِ الخَوْضُ فی سائِرِها کَأَصُولِ الفقه و فروعِها، فَإِنَّ الشُّرُوعَ فی جَمیعِها محتاجٌ إلی تقدیمِ شُرُوعِها حَتَّى لَا یَکُونَ الخائِضُ فیها وَ إِنْ کَانَ مُقلِّداً لِأَصُولِها کَبَانَ عَلَی غَیرِ أساسٍ»^۱

یعنی: اساس همه علوم دینی، علم اصول دین است که مسائلی بر محور یقین می‌گردد و بدون آن ورود در مباحث علوم دینی دیگر، مانند اصول فقه و فروع آن ممکن نیست، زیرا شروع در آنها بدون آگاهی بر مسائل مربوط به اصول دین مانند سقف بدون پایه است.

مطالعه تاریخ اسلام و متفکران اسلامی گویای این واقعیت است که علم کلام در گذشته مورد اهتمام و عنایت مسلمانان بوده و در نتیجه رجال علم بلند آوازه‌ای از متکلمان اسلامی را به جامعه اسلامی تحویل داده است و از این رهگذر آثار ارزشمندی از آنان بر جای مانده است که از میراث‌های گرانبهای فکری و دینی به شمار می‌روند.

در دوران حیات افتخار آفرین امام باقر و امام صادق علیهما السلام که به عللی زمینه مناسب برای احیاء تفکر دینی فراهم آمد، این دو آموزگار الهی، دانشمندان برجسته‌ای را در رشته‌های مختلف علوم دینی و غیر دینی تربیت نمودند که در میان آنان متکلمان، از منزلت ویژه‌ای برخوردار بودند، تا آنجا که امام صادق (ع)، هشام بن الحکم را در علم حدیث، از اصحاب خود که هشام، جوان ترین آنان بود، بیش از دیگران تکریم نموده، فرمود: «هذا ناصر نابقلبه و لسانه و یده»^۱ یعنی این مرد (هشام) با دل و زبان و دست و پا دهنده ما اهل بیت می‌باشد. که این نشانگر اهمیت علم کلام است.

متفکر فرزانه، حکیم متاله و فقیه متکلم عالم، مهدی مطهری رضوان الله علیه در این باره کلامی دارد که ذیلاً یادآور می‌شویم: «ائمہ اهل بیت علیهم السلام نه تنها خود به بحث و تجزیه و تحلیل مسائل کلامی می‌پرداختند، گروهی را نیز در مکتب خود برای بحث‌های اعتقادی تربیت می‌نمودند. هشام بن الحکم همه برجستگی‌اش در علم کلام بود، نه در فقه یا حدیث و تفسیر. امام صادق (ع) او را که در آن وقت جوانی نو خط بود، از سایر اصحابش بیشتر گرامی می‌داشت و او را بالادست دیگران می‌نشاند، همگان در تفسیر این عمل اتفاق نظر دارند که این تجلیل‌ها فقط به علت متکلم بودن هشام بوده است.

امام صادق (ع) با مقدم داشتن هشام متکلم برای ارباب فقه و اصول و حدیث، در حقیقت می‌خواسته است ارزش بحث‌های اعتقادی را بالا برد و کلام را بالادست فقه

و حدیث بنشانند.

بدیهی است که این گونه رفتارهای ائمه اطهار (ع) تأثیر بسزایی داشته در ترویج علم کلام و در این که عقل شیعی از ابتدا، عقل کلامی و فلسفی گردد.^۲ بنابراین جای آن دارد که علم کلام و مباحث اعتقادی در حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های الهیات از علوم و دروس جنبی قلمداد نشود. بلکه در حقیقت از اصلی‌ترین علوم و دروس حوزوی و دانشگاهی باشد.

لکن تأسیسات در زمان‌های اخیر مورد کم توجهی قرار گرفت و رفته رفته از جرگه علوم رسمی حوزه‌های علمیه کنار گذاشته شد، هر چند در گوشه و کنار محققان دلسوز، بحث و تحقیق پیرامون مسائل کلام همت گماردند.

خوشبختانه اکنون بار دیگر توجه محققان اسلامی و مسئولین حوزه‌های علوم دینی به ویژه حوزه علمیه قم بدین علم معطوف گردیده و نه تنها در حد دروس عمومی، بلکه در ساحت تخصصی مطرح می‌باشد.

کتابی که پیش رو دارید، نخست درباره دو اصل اصیل باورهای اسلامی که می‌توان گفت عصارة اصول دگر در میان جامعه اسلامی کاربردی تر از سایر اصول اعتقادی می‌باشد، با استدلالات عقلی و اصولی محکم تألیف یافته و تحت عنوان «کاربردی‌ترین ارکان عقاید اسلامی» نگذاری گردید. امید است مورد عنایت خداوند حکیم عادل و نیز صاحب ولایت کبری و قابل توجه خوانندگان عزیز بویژه اهل فضل قرار گیرد.

برخی از تعاریف علم کلام و نقد و بررسی آن

در اینجا نگارنده لازم می‌داند جهت آگاهی خوانندگان عزیز تعاریف علمی از علم کلام را ذکر نموده و نقد و توضیحاتی در محور آن بنماید.

السف: مرحوم ملاعبداله یزدی در حاشیه تهذیب تفتازانی در تعریف علم کلام چنین می‌گوید: «والکلام هو العلم الباحث عن أحوال المبدء والمعاد علی نهج قانون الإسلام»^۳ یعنی کلام علمی است که از احوال و خصوصیات مبدأ و معاد به روش قانون اسلام سخن می‌گوید.

۲. استاد شهید مطهری (ره)، آشنایی با علوم اسلامی، کلام، عرفان ص ۵۶.

۳. حاشیه ملاعبداله با تعلیق مصطفی دشتی ص ۲۲.

ب: استاد دکتر محمدجواد مشکور در کتاب «سیر کلام در فرق اسلام» تعریفی دارد که به نظر نگارنده جامع تر از تعریف اول (قبلی) است و آن عبارت است از: «علم کلام در اسلام، علمی است که در آن از ذات و صفات و افعال خدای تعالی و حدوث و قدم و احوال ممکنات از مبدأ و معاد و از جبر و تقویض و نبوت و امامت با اقامه ادله منطقی و فلسفی بحث می‌شود». زیرا این تعریف بعضی از خصوصیات و قیودی، دارد، مانند نبوت و امامت و ادله منطقی و فلسفی که تعریف قبلی ندارد. ج: ابن خلدون در تعریف علم کلام گفته است: «هُوَ عِلْمٌ يَتَضَمَّنُ الْحِجَاجَ غَيْرَ الْعَقَائِدِ إِلَّا بِإِتِّبَاعِهِ بِإِلَّا دَلِيلِهِ الْعَقْلِيَّ وَ الرَّدَّ عَلَى الْمُتَّبِعَةِ الْمُنْحَرِفِينَ فِي الْأَعْتِقَادَاتِ عَنْ مَذَاهِبِ السَّلَفِ وَ أَهْلِ الشَّعْبِ»^۱

یعنی علم کلام، علمی است که متکفل احتجاج و اقامه دلایل عقلی بر عقاید دینی و رد بدعت فسادان و منحرفان از روشهای پیشینیان و اهل سنت در اعتقادات می‌باشد.

البته این تعریف، با وجود آنکه جهات مهمی همچون رسالت و غایت علم کلام (دفاع از عقاید) و موضوع علم کلام (عقاید دینی) و روش آن علم (بهره‌گیری از دلایل عقلی) را شامل می‌شود، لکن نکاتی را که در پایان تعریف خود اضافه کرده یعنی انحراف از روش‌های اهل سنت در اعتقادات، آنچنان ربطی به علم کلام به گونه‌ای که همه مذاهب کلامی اسلامی را شامل شود، ندارد. و تنها به مذهب کلامی خاصی نظر دارد و نتیجه آن جامع نبودن تعریف است.

د- تعریفی است که میرسید شریف در کتاب التمهید برای کلام نقل کرده است و آن عبارت است از: «علم کلام، علمی است که پیرامون ضروری بحث می‌کند که معاد و مسائل مربوط به آن مانند بهشت و دوزخ، صراط مستقیم، ثواب و عقاب دانسته می‌شود»^۲

این تعریف به لحاظ جامع افراد نبودن و عدم شمول به همه اهل دین و عدم اشاره به ادله عقلی و غیره جامع و کامل نمی‌باشد.

ه- مؤلف مواقف، قاضی ایجی علم کلام را چنین تعریف نموده است: هُوَ عِلْمٌ

۱. ابن خلدون، مقدمه ص ۴۵۸.

۲. میرسید شریف جرجانی، التمهیدات، ص ۸۰.

يُقْتَدَرُ مَعَهُ عَلَى اثْبَاتِ الْعَقَائِدِ الدِّينِيَّةِ بِإِيرَادِ الْحُجَجِ وَ دَفْعِ الشُّبُهَةِ^۷ یعنی علم کلام، علمی است که به واسطه آن انسان بر اثبات عقاید دینی بر پایه استدلال توانا می‌گردد.

در این تعریف، موضوع علم کلام و هدف آن علم که اثبات عقاید دینی و دفع شبهات از آنها می‌باشد، بیان شده و همچنین شیوه بحث کلامی که اقامه دلائل گوناگون می‌باشد، در آن مذکور است. در این تعریف امتیازی وجود دارد که آن امتیاز در تعریف ابن‌خلدون نیست، و آن قید اخیر این تعریف است که همان اقامه دلائل گوناگون می‌باشد. زیرا دلیل و حجت را به دلیل عقلی اختصاص نداده است که ابن‌خلدون به ادوات عقلیه اختصاص داده است.

و: سعدالدین تفتازانی در تعریف علم کلام چنین می‌گوید: «أَنَّهُ الْعِلْمُ بِالْقَوَاعِدِ الشَّرْعِيَّةِ الْإِعْتِقَادِيَّةِ النَّاسِيَةِ مِنْ أَدِلَّتِهَا الْيَقِينِيَّةِ»^۸

یعنی علم کلام عبارت است از علم به قواعد شرعی اعتقادی که از طریق دلائل یقینی به دست می‌آید.

این تعریف تفتازانی، تعریف ناسی است، لکن مقید نمودن دلائل علم کلام به دلائل یقینی کار را بر متکلم دشوار می‌کند، زیرا بسیاری از بحث‌های متکلمان، برهانی و یقینی نیست، بلکه به قول بعضی از مکتبیین و به اصطلاح منطقی، التزامی و افتناعی می‌باشد و لازمه قید مزبور این است که متکلم نتواند از ظواهر کتاب و سنت (دلائل نقلی) و استقراء و قیاس‌های خطایی و تبدلی بهره‌مند گردد. و فقط باید از قیاس برهانی استفاده نماید و این راهی است که پیمودن آن برای متکلم بسیار مشکل است.

ز: استاد شهید علامه مطهری (ره) در تعریف علم کلام می‌فرماید: «علم کلام، علمی است که درباره عقاید اسلامی یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می‌کند به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌نماید»^۹.

این تعریف اگر چه طولانی است لکن نسبت به بسیاری از تعاریف مذکور

۷. قاضی ابجی، الموافف ص ۷.

۸. تفتازانی شرح المقاصد ج ۱ ص ۱۶۵.

۹. آشنایی با علوم اسلامی - کلام - عرفان درس اول ص ۹.

جامع تر به نظر می‌رسد. به این جهت که توضیح و تبیین عقاید اسلامی را از وظایف کلام و متکلم دانسته است. بدیهی است که راه دفاع از دین و پاسخگویی به اعتراضات و شبهات، توضیح و تفسیر صحیح مفاهیم و عقاید دینی می‌باشد.

علل پیدایش علم کلام

الف: به طوری که از کتب تاریخ مستفاد است، بعد از فتوحات اسلام گروه کثیری از مردم بلاد مفتوحه چون ایرانیان زردشتی و رومیان مسیحی و یهود، طوعاً و کره، به دین اسلام گرویده، پس از قبول آن دین، بعضی از عقاید مذهب قدیم را با دین اسلام پوشانیده و تشکیکاتی در دین ایجاد کردند و با اظهار آن شکها، مسلمانان را گمراه می‌کردند. از این جهت علمای دین اسلام در صدد برآمدند تا با مطالعه کتب قدیم ایشان چون اوستا و تورات و انجیل و کتب دینی براهمه و غیره، به دلایل عقلی، مرادات آنان را به اسلام رد کرده و آن شکوک را از ذهن مسلمین بیرون نمایند.

ب: علت دیگر پیدایش علم کلام، این است که ترجمه کتاب‌های یونانی و سریانی و عبری که حاوی عقاید افسانه‌ی یونان و مدعیان نبوت چون ابن دیسان و مانی بود، مسلمانان را از افکار و عقاید اهل ملل غیر عرب نیز آگاه ساخت. بر اثر خواندن این کتب و اطلاع از این عقاید، بعضی از مسلمانان نسبت به عقاید اسلامی بی‌اعتقاد شدند، از این جهت برخی از علمای اسلام به فکر آن شدند که در بیان عقاید اسلام و رد شبهات مخالفان و زنداقه کتابین در توحید و نبوت و معاد بنویسند که موجب پیدایش علم کلام در اسلام شد.

ج: پرسش‌های تفقه‌هی: یکی دیگر از علل پیدایش علم کلام پرسش‌های تفقه‌هی می‌تواند باشد که توسط بعضی از سران قوم یهود و نصاری و اهل کتاب پیاده شده است.

چنان که از عبدالله بن عباس روایت شده است که روزی فردی یهودی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: سوالاتی دارم که مدت‌ها است در ذهنم خلجان می‌کنند، اگر پاسخ آنها را بگویی ایمان خواهم آورد. آنگاه پرسشهایی را پیرامون توحید مطرح نمود، یکی از آنها چنین بود: چگونه خداوند را بی‌همتا می‌دانی با

آنکه همان گونه که او به صفت یگانگی وصف می‌شود، انسان نیز به این صفت وصف می‌گردد؟

پیامبر اکرم (ص) پاسخ فرمود: «انسان گرچه واحد است ولی ذات او بسیط نیست، لکن خداوند بسیط واحد و احدی المعنی است.»^{۱۱}

فوائد علم کلام

الف: دین شاهی تحقیقی:

محقق لاهیجی در این باره می‌گوید: «الْأَوَّلُ بِالنَّظَرِ إِلَى الطَّالِبِ فِي قُوَّتِهِ النَّظَرِيَّةِ وَهُوَ التَّرَفِّيُّ فِي خَضَائِنِ التَّقْلِيدِ إِلَى دَرْوَةِ الْإِيْقَانِ»^{۱۲}

یعنی اولین غلبه علم کلام که عاید خود متکلم می‌گردد این است که از مرز تقلید گذشته و به سوچ و تفکر متوجّه می‌یابد.

معرفه تفصیلی و تحقیقی، رباط معارف دینی و به ویژه «معرفه الله» از ارزشی بس والا برخوردار است که بر کسی پوشیده نیست.

در اینجا چند نمونه از توجه فوق العاده ولیان دین نسبت به این مسأله را یادآور می‌شویم: مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند که:

۱- آنگاه که علی (ع) با سپاهیان خود مازم برد ما اصحاب جمل بود، یکی از همراهیان مسأله توحید را مطرح نمود و از امام خراسانی تا در این باره توضیح دهد، گروهی از افراد سپاه، وی را بر طرح این مسأله در آن شرایط احساس جنگی نکوهش نمودند، ولی امام (ع) نکوهش آنان را بی مورد دانسته فرمود: «دَعْوَةُ فَإِنَّ الَّذِي يُرِيدُهُ الْأَعْرَابِيُّ هُوَ الَّذِي تُرِيدُهُ مِنَ الْقَوْمِ» یعنی او به حال خود واگذارید، زیرا آنچه او می‌خواهد، همان است که ما از این جماعت اصحاب جمل می‌خواهیم.^{۱۳}

۲- معاویه بن وهب از اصحاب معروف امام صادق (ع) است، هشام بن حکم گوید: روزی من نزد امام صادق (ع) بودم، ناگاه معاویه بن وهب و عبدالملک بن اعین وارد

۱۱. دکتر مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص ۷۷. الله واحد و احدی المعنی و الانسان واحد و نوى المعنى - ابن فزاز، کفایه الاثر، ص ۱۱

۱۲. محقق لاهیجی شوارق الالهام ص ۱۲ و سرح موافق چاپ امیر قمر ج (۱-۲) ص ۵۱.

۱۳. توحید صدوق، ص ۸۳ حدیث ۲.

شدند. معاویه درباره دو روایت که یکی می‌گوید پیامبر(ص)، خدا را دید و دیگری می‌گوید: مومنان در قیامت خدا را می‌بینند از امام(ع) سوال کرد و گفت: خداوند به کدام صورت دیده می‌شود؟

امام علیه السلام در حالی که تبسم بر لب داشت فرمود: «يَا مُعَاوِيَةُ مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ يَأْتِي عَلَيْهِ سَبْعُونَ سَنَةً أَوْ ثَمَانُونَ سَنَةً يَعِيشُ فِي مُلْكِ اللَّهِ وَيَأْكُلُ مِنْ نِعْمِهِ ثُمَّ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ» یعنی: ای معاویه، چه نارواست برای کسی که هفتاد یا هشتاد سال در قلمرو مملکت خداوند زندگی می‌کند، و از نعمت‌های او بهره‌مند می‌گردد، وای خدای را به خوبی نمی‌شناسد! آنگاه فرمود: مقصود، رویت قلبی است، نه رویت بصری، سپس بار دیگر ارزش و اهمیت خداشناسی را یادآور شده فرمود: «إِنَّ أَفْضَلَ الْقَرَائِصِ أَوْجَبُهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةَ الرَّبِّ وَالْإِقْرَارُ لَهُ بِالْغُودِيَّةِ» «برترین و واجب‌ترین فرائض بر انسان، معرفت پروردگار و اقرار به بندگی اوست.

ب: ارشاد و هدایت:

سید شریف جرجانی در شرح «اقف به نقل از از قاضی عضالدین عبدالرحمن ایجی می‌فرماید: «ارشاد الاسترشدین بایضاح المحجه» و الزام المعاندین باقامه المحجه»^{۱۰}

یکی از فواید علم کلام راهنمایی و ارشاد حقیقت‌جویان با آشکار نمودن راه‌های معرفت خدا، و الزام معاندین با اقامه دلایل و براهین است.

یکی از اهداف اهل کلام و فوائد علم کلام، ارشاد و هدایت جاهلان و منحرفان است. متکلم با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف بحث و استدلال، افراد مستعد را ارشاد نموده و گمراهان را هدایت می‌کنند. تاریخ علم کلام یادآور نمونه‌های بسیاری از هدایت‌یافتگان توسط بحث‌های هوشیارانه متکلمان زبانت است و خیرخواه به ویژه توسط ائمه معصومین «علیهم السلام» است.

به عنوان مثال:

عبدالله دیبانی «که بنا به قول بعضی از فحول، در آغاز، مومن و از شاگردان

۱۰. علامه مجلسی، بحارالانوار ج ۴ ص ۵۰-۵۱.

۱۱. سرح موافق مجلد ۱ ص ۵۱ چاپ امی قم.



حسن بصری بود ولی شبهاتی برای او پیش آمد که حسن بصری از عهده پاسخ آنها برنیامد و در نتیجه وی به الحاد گرایید، محضر امام صادق (ع) آمد و از آن حضرت خواست تا او را بر وجود خداوند راهنمایی کند. امام (ع) نام او را پرسید، ولی از گفتن نام خود امتناع ورزید، نزد دوستان خود بازگشت، دوستان به او گفتند: چرا نام خود را به حضرت صادق (ع) نگفتی؟ گفت: اگر می‌گفتم از من می‌پرسید خدایی که تو بنده او هستی کیست؟ گفتند بار دیگر نزد او برو و بخواه تا بدون آنکه نام او را پرسد درباره خداوند با تو سخن بگوید، عبدالله نزد امام بازگشت و پیش نهاد برامان خود را به امام عرضه نموده، امام به او فرمود بنشین، آنگاه تخم مرغ را در دست گرفت و فرمود: «هَذَا حِضْنُ مَكْنُونٍ، لَهُ جِلْدٌ غَلِيظٌ وَ تَحْتَ الْجِلْدِ الْغَلِيظِ جِلْدٌ نَاقٍ».

ای دیوانی این پناه می‌سرپوشیده است، که پوستی محکم پیرامون آن را فرا گرفته، و زیر آن پوست، رقیق طلایی مایع و مذاب وجود دارد، که به یکدیگر آمیخته نمی‌شود. کسی از داخل آن اطلاعی ندارد و بر صلاح و فساد آن آگاه نیست، و معلوم است که آن همه نر پدید خواهد آمد با جوجه ساده، ناگهان شکافته می‌شود و مرغی از آن طلای و وسای آن خارج می‌گردند، آیا برای آن مدبری نمی‌اندیشی؟!.

هشام بن حکم گوید: دیوانی لحظه‌ای سرفراز و افتخار آگاه گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَتَيْتُكَ يَا أَمَامَ وَ حُجَّةَ مِنَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَنَا تَائِبٌ مِمَّا كُنْتُ فِيهِ»^{۱۶}.

ج: پاسداری از عقاید دینی:

سید شریف جرجانی در شرح مواقف فرموده است: «الثالث» بِالنَّسَبِ إِلَى أَصُولِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ (حِفْظُ قَوَاعِدِ الدِّينِ) وَ هِيَ عَقَائِدُهُ (عَنْ أَنْ يَزَلُّ لَهَا شِبْهُ الْمُبْطِلِينَ)^{۱۷} سومین فایده علم کلام مربوط به اصول اسلامی است که عبارت است از حفظ عقاید دینی در برابر شبهات اهل باطل.

عمده ترین انگیزه ظهور علم کلام به عنوان یکی از علوم ویژه اسلامی، دفاع از عقاید

۱۶. سزح موافق مجلدا ص ۵۱. شوارق الالهام ص ۱۲.

۱۷. سزح موافق مجلدا ص ۵۱. شوارق الالهام ص ۱۲.

دینی و مبارزه با اندیشه‌های الحادی و پاسخگویی به شبهات معترضان بوده است. دفاع از عقاید دینی و پاسداری از سنگرهای اعتقادی و ایدئولوژیکی، یکی از اهداف مقدس و رسالت‌های خطیر پیامبران الهی بوده و از ارزش بسیار والایی برخوردار است. امام باقر(ع) دانشمندان شیعه را مجاهدانی دانسته که از عقاید شیعیانی که قدرت پاسخگویی به شبهات شیاطین را ندارند. اینک کلامی را که حضرت امام حسن عسکری(ع) از امام باقر(ع) نقل فرموده ذیلاً بیان می‌نمایم: قال جعفر بن محمد(ع): «عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي بَيْنَ إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَتِهِ، يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا، وَ عَنْ أَنْ يُسَلِّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ، أَلَّا يَنْتَسِبُوا لِدَوْلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ جَاهِدِ الرُّومَ وَ الثُّرُكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةٍ، لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ آدِيَانِ مُحِبِّينَا، وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ آبِدَانِهِمْ»^{۱۸}

امام باقر(ع) در این فراز از فرمایشات خویش، از علما و دانشمندانی که از عقاید شیعیان دفاع می‌نمایند آنچنان تمجید فرموده و ارزش دفاع و جهاد آنان را بیش از یک میلیون برابر جهاد با دشمنان دین شمرده است.

علما و متکلمان پاسداری از دین، در لسان ائمه معصومین(ع) سکان داران قلبهای مومنان بوده که در پیشگاه الهی مقامی عالیتر از دیگران دارند.

د: نیازمندی علوم دینی به کلام:

همه علوم دینی در اثبات موضوع خود نیازمند علم کلام می‌باشند زیرا تا وجود و صفات کمال الهی، بعثت و عصمت پیامبران و راه‌های رسیدن به آسمانی و... اثبات نگردد، موضوع علوم مانند تفسیر و حدیث و فقه و... اثبات نخواهد گردید.

محقق طوسی در این باره می‌فرماید: «إِنَّ أَسَاسَ الْعُلُومِ الدِّينِيَّةِ عِلْمُ أَصُولِ الدِّينِ الَّذِي يَحْكُمُ مَسَائِلَهُ حَوْلَ الْيَقِينِ»^{۱۹}

همانا اساس همه علوم دینی، علم اصول دین است که مسائلی را که محور یقین می‌گردد.. و نیز قاضی ایجابی در مواضع می‌گوید: «الرَّابِعُ، أَنَّ يَبْنِي عَلَيْهِ الْعُلُومُ الشَّرْعِيَّةُ فَإِنَّهُ أَسَاسُهَا وَ إِلَيْهِ يُؤَلَّ أَخْذُهَا وَ اقْتِبَاسُهَا»^{۲۰}

۱۸. احتجاج طبرسی چاپ نعمان نجف اسرّی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۱۹. محقق طوسی نقدالمحصل چاپ دار الاضواء ص ۱.

۲۰. مریض سزّیف سرح مواقف مجلد ۱ ص ۵۱.

یعنی؛ چهارمین فایده علم کلام این است که علوم دینی بر پایه آن استوار است، زیرا علم کلام اساس و پایه سایر علوم دینی بوده و به دست آوردن علوم دینی به علم کلام باز می‌گردد.

سید شریف جرجانی در ذیل مطلب قاضی ایجی توضیحاً می‌فرماید:

«همانا تا وجود صانع عالم و قادر که ایجاد تکلیف و ارسال رسل به عهده اوست و نازل کننده کتب آسمانی است، اثبات نشود، علم تفسیر و حدیث و حتی فقه و اصول آنگاه تصور نخواهد بود. بلکه تمام علوم متوقف به علم کلام می‌باشند».

ه: تقویت اعمال آنها

در این باره قاضی عبدالدین ایجی می‌فرماید:

یعنی فایده پنجم علم کلام، نیت و اعتقاد درست است زیرا به واسطه همین نیت و اعتقاد صحیح قلبی اعمال مایه امیدواری است.